

سوره «ذاریات» (۵۱)

قَسَم های ابتدای سوره که اشاره ای موجز به بادهای مهاجر^۱ و تشکیل ابر و ریزش باران رحمت دارد، با نتیجه گیری و جواب آن که تأکیدی بر صدق وعده های الهی (انما توعدون لصادق) و وقوع قطعی یوم الدین، یعنی روز رسیدگی به اعمال و جزا و پاداش است (و ان الدین لواقع)، شعر معروف سعدی علیه الرحمه را بیاد می آورد که:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
«شاید منظور رساندن این معنی باشد که همچنانکه جریان باد و تشکیل ابر با بروز آثار حاصله برای مزارع و مردم به دنبال یک سلسله سوابق و تدارکات و طی مراحل بوده و بالاخره با وجود بُعد مسافت و طول مدت، نتایج منظور بوقوع و ظهور می بندد، جریانهای حوادث این دنیا و سیزی که ما و طبیعت محاط در آن هستیم سررسید حتمی و سرانجام مهمی دارد که قیامت موعود است. قیامتی که موقع ظهور اعمال و تقسیم محصولات و محمولات هر کس می باشد.»^۲

همچنانکه اختلاف درجه حرارت موجب پیدایش باد می گردد و باد با وزش به سطح اقیانوسها «ذرات رطوبت» و بخارات آب را پراکنده می سازد (والذاریات ذرواً) و آب فراوانی

۱. به تعبیر کتاب «باد و باران در قرآن» که تحقیقی علمی و تفسیری پیرامون آیات مربوط به باد و باران و تحولات جوی در قرآن است، «توجه در ریشه کلمات و معنی و مورد استعمال هر یک (از قسم های فوق) کاملاً تناسب و شباهت فوق العاده ای را که با کیفیات و تحولات بادهای مهاجر دریائی وجود دارد واضح می نماید (ص ۱۰۱). بادهای مهاجر همان بادهای عمومی هستند که هزاران کیلومتر راه پیمائی می کنند و توشه برداری و توشه گذاری می نمایند. عامل اصلی سرما و گرما خشکی و رطوبت زمین هستند (ص ۵۵).

۲. توجیه فوق از شرحی پیرامون همین آیات در صفحه ۱۰۱ کتاب «باد و باران در قرآن» نوشته آقای مهندس مهدی بازرگان اخذ شده است.

را با خود حمل می‌کند (والحاملات و قرأ) و در مسیری به آرامی حرکت می‌کند (والجاریات یسراً) تا محموله خود را طبق امر و فرمان الهی بر اراضی و مردم تشنه تقسیم نماید^۱ (والمقسمات امرأ)، آدمی نیز از این تذکار و تمثیل طبیعی باید عبرت گیرد و با کسب روزی حلال از دریای بیکران فضل و نعمت الهی توشه‌ای برگیرد و حیات و حرکت و جریان زندگی خود و دیگران را تداوم بخشد و نیازمندان دورافتاده را بهره‌مند گرداند. (... تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری)

اما انسان تنگ‌نظر و خودبین، هماهنگی و اشتراک مساعی پدیده‌های جوئی را نمی‌بیند و حاضر نمی‌شود از مال و دارائی خود که رزق خدادادی است انفاق نماید، یا اینکه می‌ترسد اگر از رسولان او تبعیت نماید و راه دین و ایمان در پیش گیرد از دنیا و بهره‌های آن محروم گردد. در حالیکه قدرت و ثروتی جز از جانب خدا نیست «ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین»^۲

و چه ظریف است رابطه قسم «والمقسمات امرأ» با تأکیدی که در این سوره روی کلمه «رزق» شده است. علاوه بر نام نیکوی «رزاق»^۳ اشاراتی دیگر به این معنا شده است:
آیه (۲۲): و فی السماء رزقکم و ما توعدون.

آیه (۵۷): ما ارید منهم من رزق و ما ارید ان یطعمون - ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین.

جالب اینکه در وصف متقینی که به بهشت موعود نائل می‌شوند، بر صفت احسان (محبت و نیکوکاری به دیگران) در زندگی دنیا تأکید می‌نماید و در مصداق احسان آنها

۱. این جریان را کتاب «باد و باران در قرآن» در بخش قرآنی به‌زبانی ساده چنین توضیح داده است: «بادهای مهاجر از حذب‌های اقیانوس یا اقیانوس کبیر (و همچنین در مدیترانه و دریاهای بزرگ) آنجا که ستونهای بزرگ هوا از طبقات جو بزمین می‌ریزند سرچشمه گرفته در ابتدا یک حرکت فرفره‌ای و پراکنده شوند به اطراف دارند. پس از آن عزیمت از حذب به بارگیری شروع گردیده بادهای حامل بخار آب فراوانی می‌گردند و با وقار و سنگینی سمتی را در پیش می‌گیرند. در طول هزاران کیلومتر، این بادهای منظم با وزش ملایم خود جریان دهنده آرام و راحت کشتیهای بادی می‌شوند. بالاخره در کناره یا در فراز قاره‌ها نوبت تلاقی جناحهای سرد و مخالف می‌رسد. رطوبت و حرارت می‌آورند و آنچه را قرار و قسمت است یعنی رحمت یا خسارت به مزارع، جنگلها، شهرها، بندرگاهها یا به کشتی‌ها و مسافرین آنها پخش می‌کنند. البته تعبیر به فرشتگان که مأمورین دستگاه خلقت و مبدء و نظیر انرژی‌ها یا عوامل قوای طبیعت هستند نیز می‌توانند صحیح باشد. همچنین تعبیر مستقیم به بادهای و ابرها و کشتیها و عواملی که بالاخره امور و آثار حاصله از این جریانات را بر روی زمین پخش می‌کنند» (ص ۱۰۰)

۲. آیه ۵۸ (به یقین خداوند همو بسیار روزی دهنده توانای نیرومند است)

۳. کلمه «رزاق» که صیغه مبالغه رزق است در قرآن فقط یک بار (آیه فوق) بکار رفته است

(علاوه بر شب زنده داری و استغفار که حسن و کمالی رفیع است)، بر احسان و انفاق آنها به نیازمندان و محرومین اشاره می نماید:

ان المتقین فی جنات و عیون، اخذین ما اتیهم ربهم انهم كانوا قبل ذلک محسنین.
كانوا قليلاً من اللیل ما یجمعون - و بالاسحار هم یستغفرون - و فی اموالهم حق
للسائل والمحرور.

و شگفت انگیز تر داستانی است که در این سوره از حضرت ابراهیم علیه السلام و مهمان نوازی کریمانه او، که دقیقاً در رابطه با سیاق اصلی سوره قرار دارد، نقل می شود. قبلاً (در شرح برخی سوره ها) گفته بودیم نام ابراهیم (ع) در هر سوره ای به تناسب مضمون و محتوای آن مطرح گشته و گوشه ای از زندگی این پیامبر عظیم الشان که اولین امام انسان (انی جاعلک للناس اماماً) و الگو و اسوه اخلاق کریمه برای مسلمانان می باشد (قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم والذین معه)، متناسب و هماهنگ با محورهای هر سوره نقل شده است. اینک در این سوره از آنجائیکه مسئله سخاوت، سعه صدر، بلند نظری و بذل و بخشش کریمانه انسان از رزق الهی مطرح است (مفهوم احسان)، داستان ابراهیم از مهمان نوازی سخاوتمندانه او آغاز می گردد. در شرح این جریان جزئیاتی بیان شده است که ظاهراً مغایر سبک خاص قرآن، که ایجاز و اختصار است و نتیجه و پیام را در نظر دارد، بنظر می رسد، در حالیکه بامختصری دقت می بینیم هیچ حرف و کلمه زائدی بکار نرفته و هر واژه ای بیانگر منظوری خاص است. اولاً تصریح بر اینکه مهمانان او غریبه بودند (قوم منکرون) این نکته را روشن می سازد که مهمان نوازی او مسبوق به سابقه و در تلافی و جبران خدمتی نبوده و همانند مهمان نوازیهای عادی مردم شکل پایاپای در روابط دوستی و فامیلی نداشته است، آنها بکلی غریبه و بیگانه بودند. ثانیاً با اشاره به حرکت ظریف و زیرکانه «فراغ الی اهل» فهمیده می شود ابراهیم نخواست پذیرائی از آنها را با تعارف و تظاهر و تصنع برگزار کرده علناً خوش خدمتی خود را به نمایش بگذارد. بلکه به گونه ای که مهمانان متوجه و مانع پذیرائی او نشوند نزد همسرش رفته گوساله ای چاق و بریان برای آنها فراهم می کند. اگر در نقل این ماجری فقط به طعام آوردن اکتفا شده بود، حق مطلب آنچنان که مورد نظر است ایفا نمی گشت. اما اولاً «گوساله ای بریان» آورد که قاعدتاً باید دلچسب ترین و پرهزینه ترین غذاها در آن روزگار بوده باشد، ثانیاً تأکید روی کلمه «سمین» (چاق) نشان می دهد هم رعایت کیفیت (بریان کردن) را کرده بود و هم رعایت کمیت را. در حالیکه می توانست بزغاله ای پیر برای میهمانان قلیل خود ذبح نماید و منت هم بگذارد ولی

به مصداق «لن تنالوا البرحتى تنفقوا مّما تحبون»^۱، او از بهترین موجودی خود مایه گذاشت. این نکته نیز ناگفته نماند که ابراهیم در اولین برخورد با میهمانان سلام آنها را با سلامی گرمتر و پایدارتر پاسخ گفت^۲ (قالوا سلاماً قال سلام)

ابراهیم (ع) در این سوره الگو و اسوه ارزشهای مطرح شده معرفی گشته است، در جهت مقابل نیز از اقوام مجرم و تنگ نظری که در گذشته تاریخ محکوم عملکرد انحرافی خود شدند یاد می کند، مقدم از همه فرعون که باتکیه بر لشگرش، موسی را ساحر و مجنون نامید (فتولی برکنه و قال ساحر اومجنون) و بعد قوم عاد و ثمود (که در منطقه جغرافیائی عربستان قرار داشتند) و قوم نوح که مقدم بر همه اقوام در راه فسق شتافتند (و قوم نوح من قبل انهم كانوا قوماً فاسقین)

این حقیقت در رابطه با سیاق سوره و جواب قسم های آغاز آن که تأکید بر صدق وعده های الهی و وقوع قطعی یوم الدین می باشد (انّما توعدون لصادق و ان الدین لواقع) بشدت جلب توجه می کند که راست بودن وعده های الهی و واقع شدن «دین»، که نتیجه و محصول عمل انسان است، در دنیا نیز علاوه بر آخرت (پیوستگی دو عالم) تحقق پیدا می کند. یکطرف پیرمرد فرتوت و همسر «عقیمی» در دوران یائستگی شکوفا و باردار می گردند، و در طرف دیگر قوم عاد با باد «عقیمی»، که همه چیز را می پوساند، هلاک می شوند (و عاد اذ ارسلنا علیهم الريح العقیم)، تمثیل و تشبیه بادهای عقیم به بازتاب عملکرد اقوام منحرف، و بادهای روزی رسان رحمت به عمل ابراهیم، بس آموزنده و بیدارکننده است.

نقش فرشتگان الهی نیز به پدیده های طبیعی خارج از وجود انسان منحصر نمی گردد، فرشتگان میهمان ابراهیم نیز مانند بادهای بشارت باران^۳ و بادهای عقیم دو رسالت داشتند؛ بشارت فرزندی علیم برای ابراهیم و ارسال سنگریزه عذاب بر قوم لوط.

نتیجه دو نوع عملکرد انسان همان جزا و پاداش اوست که در «یوم الدین» تحقق عینی پیدا می کند، این مسئله همان پیام محوری سوره است که بقیه مطالب در خدمت آن قرار

۱. آل عمران ۹۲ - هرگز به مرحله نیکی نمی رسید مگر از آنچه خود دوست دارید انفاق نمائید.

۲. به گفته مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ابراهیم سلام ملائک را که در جمله ای فعلیه آورده بودند، با جمله ای اسمیه پاسخ داد (علامت رفع در سلام به جای فتحه در سلاماً این موضوع را می رساند) جمله فعلیه تنها بر حدوث فعل دلالت دارد در حالیکه جمله اسمیه دوام و ثبوت را می رساند. در حقیقت آنها یک سلام گفتند و ابراهیم سلامی همیشگی داده است.

۳. و هو الذی یرسل الریاح بشراً بین یدی رحمته (او کسی است که بادها را مقدمه بشارت رحمتش - باران - می فرستد) اعراف ۵۷ - فرقان ۴۸ نمل ۶۳

گرفته اند. به این ترتیب موضوع قیامت نه از جهت حقانیت و برپاشدن آن، بلکه از بُعد رسیدگی به اعمال و جزا و عقاب در قالب کلمه «یوم الدین» معرفی شده است. اتفاقاً منکرین نیز چنین تحولی را از همین بُعد منکر می‌شوند: (یسئلون ایان یوم الدین). همانطور که در حیات دنیائی عمل نیک انسان، همانند باد رحمت، بارش برکت بیار می‌آورد، و عمل شر او باد عقیمی که محصول هستی و حیات را می‌سوزانند، در آخرت نیز به مقیاس بسیار گسترده تری نتیجه عمل انسان تحقق و تجلی پیدا می‌کند. متقین در بهشت و مجرمین در آتشی که بدست خود فراهم کرده‌اند قرار می‌گیرند. پس انسان همچنانکه برای رزق خود به آسمان نگاه می‌کند، تا مگر باران رحمتی ریزش کند، باید بداند جایگاه وعده‌های الهی نیز (اعم از عذاب یا پاداش) در آسمان است، همان جایگاه فرشتگانی که مدبر اوامر الهی اند:

«و فی السماء رزقکم و ما توعدون» (آیه ۲۲)

مثالت: توحید، نبوت، قیامت

گفتیم تمرکز این سوره روی رأس سوم مثلث، یعنی قیامت از بُعد «یوم الدین» بودن آن (ان الدین الواقع - یسئلون ایان یوم الدین) است که گاهی نیز با ضمیر به آن اشاره می‌نماید. مثل:

فورب السماء والارض انه الحق مثل ما انکم تنطقون (۲۳)

(پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن همانند حرف زدن شما حق است)

و آیه (۵۰) ففروا لی الله انی لکم منه نذیر مبین

(پس بسوی خدا بگریزید که من از آن بیم دهنده‌ای آشکار برای شما هستم)

و یا آیه (۸) یؤفک عنه من افک

(از آن موضوع به دروغ رانده می‌شود آنکه رانده می‌شود).

و گاهی نیز به بیم و هشداریکه درباره خطیر بودن آن داده شده اشاره می‌کند:

(انما توعدون لصادق - فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون)^۱

اما دو رأس دیگر مثلث نیز در این سوره فراموش نشده‌اند و چه بسا تمرکز روی قیامت برای رفع موانع ذهنی توحید و نبوت بوده باشد. در این رابطه آیات انتهائی سوره پیام‌های آشکاری دارند:

۱. آیه فوق که آخرین آیه سوره است، خلاصه و جمع بندی سوره را در مرحله «یوم مهم الذی یوعدون» نشان می‌دهد.

توحید } ففروا الى الله انى لكم منه نذير مبين.
 } ولا تجعلوا مع الله الهاً اخر انى لكم منه نذير مبين (آیات ۵۰ و ۵۱)
 نبوت } كذلك ما اتى الذين من قبلهم من رسول الا قالوا ساحر او مجنون
 } اتواصوا به بل هم قوم طاغون (آیات ۵۲ و ۵۳)

رهتمود به رسول

آیات انتهائی سوره وظيفه و رسالت پیامبر را در برابر منحرفینی که «یوم الدین» و مسئولیت انسان در برابر کردارش را باور نمی کنند روشن می سازد. طبق معمول و روال عمومی قرآن، مسئله آزادی و اختیار انسان و مهلت و مدتی را که خداوند در چارچوب مشیتش به منظور ابتلاء و امتحان بنی آدم قرار داده، مطرح و توصیه می کند از منکرین روی بر تافته مؤمنین را تذکر دهد چه بسا سودمند افتد. و این فراز مهم و اصل بنیادی را یادآور می شود. که آفرینش جن و انس جز برای عبادت خدا (هموار کردن نفس برای ارزشهای خدائی، خداگونه شدن، صیوررت الی الله) صورت نگرفته که این اراده حکیمانه عین رحمت است (... الا من رحم ربک و لذلك خلقهم - سوره هود ۱۱۹)

و برای رفع این سوء تفاهم که عبادت خواستن از بندگان دلیلی بر نیاز خدا به آنها است، همینقدر توضیح می دهد که من نه رزقی از آنان خواسته ام و نه طعمای طلب کرده ام بلکه خود روزی دهنده مطلق و صاحب نیروی استوار هستم. (آیات ۵۷ و ۵۸)

و بالاخره در پایان (در رابطه با نتیجه اعمال انسان با سرنوشت نهائی اش)، بر این حقیقت تصریح می نماید که ظالمین منکر تو نیز «ذنوبی» دارند که همانند ذنوب (دنباله و عاقبت کار) اقوام پیشین گرفتارشان خواهد کرد:

فان للذین ظلموا ذنوباً مثل ذنوب اصحابهم فلا يستعجلون - فویل للذین كفروا من یومهم الذی یوعدون

اسماء الهی

در این سوره فقط ۲ بار نام جلاله الله در کنار نامهای نیکوی «رِزَاقُ ذَوَالْقُوَّةِ الْمُتِّينِ» آمده است، علاوه بر آن ۵ بار رب مضاف (ربهم، ربک، رب السموات) تکرار شده و بغیر از آن در آیه ۳۰ پس از نقل جریان فرزنددار شدن همسر ابراهیم بر «حکیم» و «علیم» بودن خداوند تأکید شده است.

آهنگ سوره - سوره ذاریات مشتمل بر ۶۰ آیه می باشد که بیشتر آیات آن (۴۲ آیه) با

حرف «ن» ختم می‌شوند، پس از آن حرف «م» قرار دارد که ۹ آیه با آن تمام شده است. آیاتی که با حرف «ن» و «م» ختم می‌شوند متن اصلی سوره را تشکیل می‌دهند، اما ۹ آیه ابتدای سوره آهنگ متفاوتی داشته با ۵ حرف الف، ق، ع، ک، ف ختم می‌شوند. این نکته نیز جالب توجه و بررسی و تحقیق است که این سوره همانند سوره «ق» (سوره قبل) و بعضی سوره‌های دیگر درست با ۷ حرف ختم می‌شود.

برخی ملاحظات

۱- میان سوگند «والسما ذات الحبک» و جواب آن «انکم لفی قول مختلف» باید ارتباطی باشد. اگر از اختلاف مردم در اقوال مردم که جواب قسم است، به اصل قسم برگردیم، معنای «حبک» را که راههای آسمان ترجمه کرده‌اند بهتر می‌فهمیم. می‌دانیم به دلیل نیروی جاذبه‌ای که از کرات مختلف ناشی می‌شود، آسمان وضع یکنواختی ندارد و مسیر و مدارات متنوعی برای تعادل حرکت ستاره‌ها بوجود می‌آید. شاید منظور از «ذات الحبک» همین مدارات مختلف باشد (والله اعلم)

۲- «خراصون» - کسانی که یوم الدین را انکار می‌کنند (یستلون ایان یوم الدین)، در این سوره «خراصون» نامیده شده‌اند. از آنجائیکه قیامت هنوز واقع نشده است، بشر از طریق علم نمی‌تواند احاطه‌ای به آن پیدا کرده مختصاتش را تعیین نماید. بنابراین این جز از طریق وحی راهی برای قبول این خبر باقی نمی‌ماند. اما تکذیب کنندگان قیامت از آنجائی که وحی را منکر می‌شوند، برای اظهارنظر درباره چنین پدیده‌ای راهی جز تخمین و حدس و گمان و تکیه بر تصورات و پندارهای ذهنی خود ندارند. این است معنای «خراصون».

۳- در این سوره در جواب سوگندهای ابتدای آن، جواب «ان الدین لواقع» آمده است. اولاً گفته نشده: «ان یوم الدین لواقع»، ثانیاً تحقق آنرا با کلمه «لواقع» نشان داده نه فعل «یواقع» که مربوط به آینده باشد! بنابراین وقوع دین یعنی رسیدن انسان به جزای عملش قطعیتی است که از همان لحظه عمل واقع می‌شود. درست مثل درس خواندن که با مطالعه هر سطر و صفحه‌ای علم انسان افزون گشته و نتیجه درس خواندن واقع می‌شود، گرچه در آخر سال آزمایش نهائی مجموعه معلومات هر محصلی را معین می‌نماید، اما این امتحان عینیت بخشیدن به معلوماتی است که قبلاً واقع شده است. همچنین است یوم الدین و تفاوت آن با «دین».

۴- آیه ۱۹ سوره ذاریات (و فی اموالهم حق للسائل والمحروم) با مختصر تفاوتی مشابه آیه ۲۴ سوره معارج در رابطه با آخرت و عذاب است (سال سائل بعداب واقع). در سوره

ذاریات چنین خصوصیتی را به محسنین نسبت می دهد و در سوره معارج به «مصلین»
 ۵- شبیه آیه ۲۶ این سوره (فراغ الی اهلہ فجاء بعجل سمین) را در آیه ۶۹ سوره هود
 (لقد جاءت رسلنا ابراهیم بالبشری قالوا سلاماً قال سلام فما لبث ان جاء بعجل حنیذ)
 می بینیم. با این تفاوت که در سوره ذاریات بر چاق بودن گوساله اشاره شده و در سوره هود
 بر بریان بودن آن. در ضمن توضیح «قوم منکرون» را در سوره هود حذف کرده است. گویا در
 سوره ذاریات هدف اصلی نشان دادن مهمان نوازی کریمانه حضرت ابراهیم نسبت به غریبه
 بوده است.

۶- پس از بشارتی که فرشتگان به ابراهیم و همسرش درباره فرزندی فرزانه دادند،
 ابراهیم بدون آنکه دچار احساسات و ذوق زدگی شده کنترل خود را از دست بدهد (گرچه
 همسرش شگفت زده و بی اختیار شده بود)، از آنها می پرسد: «پس کار مهم شما چیست ای
 فرستادگان خدا» (فما خطبکم ایها المرسلون). از این پرسش فهمیده می شود او
 فرزنددار شدن خود را امری شخصی و کم اهمیت تر از آن می دیده که بخاطر آن فرشتگانی
 نازل شده باشند و بخاطر همین فروتنی و سعه صدر از آنها می پرسد مسئله مهم شما
 (خطبکم) چیست؟ و آنها عذاب قوم لوط را مطرح می سازند. (وقتی گلی در بوستان
 می روید برای رشد آن باید علف های هرز را از اطرافش قطع کرد تا میدان نمو و عطفافشانی
 گسترده گردد).

۷- آیه ۴۷ سوره ذاریات (والسما بنیناها بایدواناً لموسعون) که رشد و توسعه لایزال
 کیهان را تصریح می نماید، با تئوریهای پیشرفته علم کیهان شناسی امروز قابل توجیه و
 تفسیر است. مطابق فرضیات اخیر، جهان اطراف ما با سرعتی فوق العاده گسترش می یابد و
 ستارگانی با دوربین های رادیوئی رصد شده اند که با سرعت نزدیک به سه برابر سرعت نور
 از ما دور می شوند!

۸- در آیه ۵۴ (فتول عنهم فما انت بملوم) به پیامبر دستور داده می شود که از مشرکین
 روی برتابد که در این صورت ملامت شده نخواهد بود!

در اینجا این سؤال مطرح می شود که مگر پیامبر نگرانی و اضطرابی نسبت به ملامت
 شدن داشته است؟... شاید چنین احساس و تصویری پس از شنیدن داستان حضرت یونس
 (ع) و قصه بی صبری و گریز او از قوم خویش برای پیامبر پیدا شده بود، در آن داستان که در
 سال سوم (یکسال قبل از آیه فوق) نازل شده است، ملامت یونس را نسبت به خویش بخاطر
 بی صبری حکایت می کند (فالتقمه الحوت و هو ملیم).

۹- تنها موردی که «فرار بسوی خدا» در قرآن مطرح شد، آیه ۵۰ این سوره است (ففروا

الی الله انی لکم منه نذیر مبین). بنظر می‌رسد ضمیر «منه» که نسبت به آن انذار داده می‌شود عواقب زیانبار یوم الدین و عذاب دردناک روز قیامت باشد که برای گریز از چنین سرنوشتی باید همچون کسی که از خطری بسوی پناهگاهی می‌گریزد بسوی خدا فرار کرد.

۱۰- قوم لوط در این سوره قوم مجرم معرف شده است: (انا ارسلنا الی قوم مجرمین). جرم به گناهانی اطلاق می‌شود که از قطع ارتباط با خدا ناشی می‌شود. این عنوان کاملاً بجا و به موقع انتخاب شده است. در برابر ابراهیم که پیوسته بیاد خدا و مرتبط با پروردگار خویش بود، در نقطه مقابل قوم لوط معرفی شده است که یکسره ارتباط خود را با خدا و مردم و حساب و کتاب و آینده قطع کرده بود.

ارتباط سوره‌های ذاریات و طور (۵۱ و ۵۲)

وجه مشترک میان این دو سوره، همچون بقیه سوره‌های این مجموعه، حیات پس از دنیا و آخرت وعده داده شده است. ولی زاویه برخورد با این موضوع در هر کدام متفاوت است؛ در سوره ذاریات، همانطور که گفته شد، از بُعد پاداش و جزا که در مفهوم «دین» نهفته است، به این مسئله می‌پردازد و آنرا «یوم الدین» می‌نامد و در سوره طور از بُعد «عذاب» که جزای کفر و تکذیب است، موضوع را مطرح می‌نماید. جالب اینکه هم در ابتدای هر دو سوره (پس از سوگندها) این مقایسه مشهود است، و هم در آخرین آیات هر دو سوره:

سوره ذاریات (۶) و ان الدین لواقع } ابتهای سوره } ذاریات (۵۹) فان للذین ظلموا ذنوباً مثل ذنوب اصحابهم فلا یستعجلون	طور (۷) و ان عذاب ربک لواقع
--	-----------------------------

اواخر سوره طور (۴۷) و ان للذین ظلموا عذاباً دون ذلک و لکن اکثرهم لایعلمون. همانطور که ملاحظه می‌شود، در هر دو سوره با تأکید از وقوع قطعی دین و عذاب یاد می‌کند و در آخر هم چنین سرانجامی را تصریح می‌نماید (در سوره ذاریات به جای کلمه دین کلمه «ذنوب» به کار رفته که معنای آن کیفر و جزا و دنباله و نتیجه عمل، یعنی همان مفهوم دین می‌باشد).

اگر در سوره ذاریات بر تحقق یوم الدین سوگند می‌خورد و تکذیب کافران را نسبت به یوم الدین مطرح می‌نماید (یستلون ایان یوم الدین)، در سوره طور همواره چنان‌روزی را از بُعد «عذاب» معرفی می‌کند. هم تحقق عذاب را قطعی می‌شمرد (و ان عذاب ربک لواقع)، هم تکذیب کافران را نسبت به عذاب آتش مطرح می‌نماید. (هذه النار الّتی کنتم بها تکذبون)،

هم بهشت متقین را همراه با نعمت دور شدن از عذاب توصیف می نماید (ان المتقین فی جنات و نعیم - فاکهین بما اتیهم ربهم و قیهم ربهم عذاب الجحیم) و هم دلیل چنین بهشتی را ترس مستمر و مراقبت دائمی متقین در زندگی دنیائی از عذاب الهی می شمرد (و اقبل بعضهم علی بعض یتسائلون - قالوا انا كنا قبل فی اهلنا مشفقین - فمن الله علینا و قینا عذاب السموم - انا كنا من قبل ندعوه انه هو البر الرحیم)

تفاوتی که این دو سوره دارند، در بخش تاریخی مسئله است. در سوره ذاریات حدود ۴۰٪ سوره به جریان هلاکت اقوام گذشته، به دلیل انکار یوم الدین اختصاص داده شده است. اما در سوره طور همین نسبت به مذمت معاصرین پیامبر خاتم و محاکمه مکذبین آن دوران اختصاص یافته است.

از جهات دیگری نیز این دو سوره قابل مقایسه و بررسی هستند که ذیلاً به آن اشاره می کنیم:

- | | |
|--|---------------------------|
| <p>ذاریات (۵۴ و ۵۵) <u>فتول عنهم فما انت بملوم - و ذکر فان الذکری تنفع المومنین</u></p> | <p>۱- توصیه به پیامبر</p> |
| <p>طور (۴۵ تا ۴۹) <u>فذرهم حتی یلاقوا یومهم الذی فیہ یصعقون و اصبر لحکم ربک فانک باعیننا و سبح بحمد ربک حین تقوم - و من اللیل فسیحه و ادبار النجوم</u></p> | |
| <p>ذاریات (۵۵) و <u>ذکر فان الذکری تنفع المومنین</u></p> | <p>۲- تذکر</p> |
| <p>طور (۲۹) <u>تذکر فما انت بنعمة ربک بکاهن و لامجنون</u></p> | <p>۳- اشاره به آسمان</p> |
| <p>ذاریات (۷) <u>والسما ذات الحبک</u></p> | |
| <p>(۴۷) <u>والسما بنیناها باید و انا لموسعون.</u></p> | |
| <p>طور (۹ و ۱۰) <u>یوم تمور السماء موراً و تسیر الجبال سیراً</u></p> | |
| <p>ذاریات (۱۴) <u>ذوقوا فتنتکم هذا الذی کنتم به تستعجلون</u>
 (۱۶) <u>اخذین ما اتیهم ربهم انهم کانوا قبل ذلک محسنین</u>
 (۵۹) <u>فان للذین ظلموا ذنوباً ...</u>
 طور (۱۶) <u>انما تجزون ما کنتم تعملون</u>
 (۱۹) <u>کلوا و اشربوا هنیئاً بما کنتم تعملون</u>
 (۲۱) <u>... و ما التناهم من عملهم من شیء کل امری بما کسب رهین.</u></p> | <p>۴- نقش عمل</p> |